

کانون داد

قاضی شاعر اگر شعری بخواند بس بجاست
 جشن استقلال ایشان جشن استقلال ماست
 چون وکیل از راه قانون اولین مشگل گشاست
 خود وکیل مصلح از سوی دگر نور الهدی است
 لیک اگر بد شد برای اجتماع خود بلاست
 جمله ای کوتاه گفتم لیک در آن نکته هاست
 تانه پنداری که اعضاء بدن از هم جداست
 قاضی آگاه را یک نور باطن رهنماست
 حکم و کیفر خالی از منظور اصلاحی خطاست
 مجرم بیمار را حاجت بدرمان و دواست
 اهل دعوا نیست آن ملت که با حق آشناست
 ورنه تصویب هزاران ماده قانون هب است
 باز هم در فکر کج رفتاری و مکر و دغا است
 این عمل در هر طریق و کیش و مذهب ناسزا است
 لیک اگر قائم به ظلم و جور باشد بی بقاست
 گوشها بر داستان جانگداز کربلاست
 آخرین فرمانده و حاکم در این دیوان خداست
 وآنکه قاتل را به بخشد در ردیف اشقیاست
 در مجال تنگ ما را مهلت جولان کجاست
 یعنی استقلال قاضی لازم شأن قضا است
 هر یک از اینها به یک اقلیم حق فرمانرواست
 قاضی ار محتاج باشد کی حریف اقویاست
 در حقیقت ارتقاء معنوی نوعی غناست
 بهتر از صد خرمن فضل و هنر یک جو صفاست
 تا نباشد حسن نیت سعی و کوشش بی بهاست
 پرچم حق و عدالت سر بسوی اعتلاست
 جشن و استقلال ما هر روز و هر ساعت بپاست
 تا زمین و آسمان در گردش بی انتهاست

جشن استقلال کانون وکیلان چون بپاست
 چون وکیل و قاضی از یکستگاه واحدند
 مردم اول عرض حاجت با وکیلان میکنند
 قاضی صالح بتعبیری اگر سیف الحق است
 گر وکیلی نیک باشد رحمت محض خداست
 هر وکیلی در حقیقت قاضی بی مسند است
 دستگاه انتظامی نیز جزء جمع ماست
 نیست قانون در کف قاضی چراغ راه او
 سازمان عدل تنها از برای حکم نیست
 هر که جرمی میکند یک علت روحی در اوست
 باید اول سطح فرهنگ و ادب بالا رود
 بعد باید منشأ این جرمها را کشف کرد
 آنکه کیفر دید و از زندان رها شد از چه روی
 هیچ کاری بدتر از تبعیض یعنی ظلم نیست
 گفت پیغمبر که ملک از کفر نپذیرد زوال
 خون مظلوم ار بجوشد لرزه می افتد بر عرش
 هر یک از ما میدهد حکمی و فرمانی. ولی
 هر که دزدی را رها سازد شریک جرم اوست
 نکته ها درباره قانون و قاضی هست. لیک
 قاضیان را اختیاری باید اندر کار خویش
 نیست فرقی قاضی استاده و بنشسته را
 قاضیان را شرط باشد بی نیازی در معاش
 نکته دیگر همانا ارتقاء معنویست
 هر وکیل و قاضی اول بایدش وجدان پاک
 رنج باید برد در خدمت ولی این نیز هست
 شکر باید کرد مفتون کاندترین فرخنده عصر
 تا عدالت هست آزادی بمعنای وسیع
 جاودان باد این بنای عدل و این کانون داد